

نقش عرف مهندسی در عوامل موجهه مسئولیت مدنی پروژه‌های عمرانی و نفتی (تحلیل فقهی و حقوقی)

محمدرضا شرافت‌پیما (نویسنده مسئول)

استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد بین‌الملل بندرانزلی، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرانزلی، گیلان، ایران.

Sharafatpeima@iaau.ac.ir

رحیم فتحتوئی نژاد

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد بین‌الملل بندرانزلی، دانشگاه آزاد اسلامی، گیلان، ایران.

Rahim.fatahtouei@gmail.com

چکیده

پروژه‌های عمرانی و نفتی به سبب ماهیت فنی و ریسک‌پذیر خود، از دشوارترین حوزه‌های اعمال نظریه عمومی مسئولیت مدنی‌اند؛ زیرا تحقق ضرر در این عرصه‌ها لزوماً ملازم با سرزنش‌پذیری رفتار یا انتساب عرفی زیان نیست. چالش اصلی در دعوی فنی، نه اصل ضمان، بلکه تعیین عرف مرجع و نحوه اعمال معیارهای تخصصی در ساختار هنجاری مسئولیت است؛ به گونه‌ای که اتکای صرف به عرف عمومی می‌تواند به احراز نادرست تقصیر و گرایش مسئولیت به الگویی نزدیک به مطلق بینجامد. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با اتکا بر مبانی فقه امامیه، دکترین حقوقی و تحلیل رویه قضایی، جایگاه «عرف مهندسی» را به عنوان عرف تخصصی حاکم بر رفتار حرفه‌ای بررسی می‌کند؛ یافته‌ها نشان می‌دهد عرف مهندسی - در صورت برخورداری از مشروعیت شرعی، عقلانیت فنی و پذیرش حرفه‌ای - در سه سطح ساختاری اثرگذار است: نخست، تعیین معیار «متخصص متعارف در شرایط مشابه» برای احراز یا نفی تقصیر؛ دوم، تحدید دامنه استناد عرفی زیان در فرض تعدد اسباب و ریسک‌های ذاتی پروژه؛ و سوم، ایفای نقش در احراز شرایط علل موجهه، به گونه‌ای که در احسان معیار رفتار نافع غیرمتمعدی، در اضطرار معیار ضرورت و تناسب و فقدان بدیل کم‌خطرتر، و در تحذیر معیار کفایت هشدار و امکان احتراز بر پایه سنجش تخصصی عرف حرفه‌ای تعیین می‌شود. بر این اساس، اثر حقوقی عرف مهندسی در یکی از سه صورت نفی تقصیر، تضعیف یا قطع استناد عرفی، یا تحقق عامل موجهه متجلی می‌گردد. در پایان، الگوی سه‌مرحله‌ای استنباط قضایی عرف مهندسی مشروع برای افزایش شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری آرا پیشنهاد می‌شود.

کلید واژه‌ها: عرف مهندسی، عوامل موجهه، مسئولیت مدنی، فقه امامیه، پروژه‌های عمرانی و نفتی.

۱- مقدمه

پروژه‌های عمرانی و نفتی به سبب ماهیت فنی، پیچیدگی اجرایی و سطح بالای ریسک، از دشوارترین عرصه‌های اعمال نظریه عمومی مسئولیت مدنی به‌شمار می‌روند. در این حوزه‌ها، تصمیم‌های مهندسی غالباً در شرایط فوریت، عدم قطعیت فنی و مواجهه با ریسک‌های اجتناب‌ناپذیر اتخاذ می‌شود؛ از این رو تحقق ضرر لزوماً معادل سرزنش‌پذیری رفتار یا قابلیت انتساب عرفی زیان نیست. با این حال، بررسی برخی آرای قضایی نشان می‌دهد که در مواردی تفکیک روش‌مند میان عرف عمومی و معیارهای تخصصی رفتار حرفه‌ای به صراحت صورت‌بندی نشده و ارزیابی رفتارهای فنی بر پایه معیارهای غیرتخصصی انجام گرفته است (ر.ک: بخش تحلیل رویه قضایی)؛ امری که می‌تواند به احراز نادرست تقصیر و تقویت گرایش به مسئولیتی نزدیک به مطلق در دعاوی فنی بینجامد.

در حقوق ایران، اصل بر ضمان عامل زیان است و با تحقق ضرر، در صورت احراز تقصیر و استناد عرفی، مسئولیت مدنی شکل می‌گیرد. در عین حال، فقه امامیه و حقوق موضوعه برای جلوگیری از تحمیل مسئولیت نامتناسب، نهادهایی تحت عنوان «علل موجهه مسئولیت مدنی» شناسایی کرده‌اند که در پرتو آن‌ها، با وجود تحقق ظاهری ضرر، وصف سرزنش‌پذیری رفتار یا انتساب عرفی زیان زایل می‌شود. قواعدی چون احسان، اضطرار و تحذیر، تجلی همین منطق‌اند و همگی بر داوری عرفی درباره ضرورت، تناسب و امکان احتراز استوارند. پرسش بنیادین آن است که در فعالیتهای تخصصی، مرجع این داوری عرفی کدام است: عرف عمومی یا عرف حرفه‌ای؟

چالش اصلی در دعاوی فنی، نه اصل پذیرش عرف، بلکه تعیین نوع عرف مرجع و سطح اثرگذاری آن در ساختار مسئولیت است. در ادبیات فقهی و حقوقی، عرف تخصصی غالباً در حد معیار احراز یا نفی تقصیر بررسی شده، حال آنکه نقش آن در تحدید استناد عرفی زیان و نیز در احراز شرایط علل موجهه از طریق سنجش تخصصی ضرورت و تناسب اقدام، به صورت منقح و نظام‌مند تبیین نشده است. از این رو اختلاف در این حوزه بیش از آنکه ناظر به اصل ضمان باشد، ناظر به نحوه انتقال معیارهای تخصصی به ساختار هنجاری مسئولیت است.

نوآوری این پژوهش در آن است که «عرف مهندسی مشروع» را نه صرفاً اماره‌ای برای تشخیص تقصیر، بلکه معیاری هنجاری و سه‌سطحی در تحلیل مسئولیت مدنی صورت‌بندی می‌کند: نخست در مقام تعیین معیار متخصص متعارف، دوم در مقام تحدید استناد عرفی زیان، و سوم در مقام احراز شرایط علل موجهه. بر این مبنا، عرف مهندسی - در صورت برخورداری از مشروعیت شرعی، عقلانیت فنی و پذیرش حرفه‌ای - جلوه تخصص‌یافته عرف عقلایی مورد امضای شارع بوده و می‌تواند نقش «غریبال عقلایی تخصصی» را در نظام مسئولیت مدنی ایفا کند.

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا بر مبانی فقهی، دکترین حقوقی و تحلیل آرای شاخص محاکم، در پی بازتعریف جایگاه عرف مهندسی در نظریه علل موجهه مسئولیت مدنی است. دستاورد پژوهش، ارائه الگویی سه‌مرحله‌ای برای استنباط قضایی عرف مهندسی مشروع (احراز عرف فنی، ارزیابی مشروعیت و انطباق با ارکان مسئولیت یا علل موجهه) است؛ الگویی که می‌تواند ضمن حفظ حمایت از زیان‌دیدگان، از تبدیل مسئولیت در دعاوی فنی به ضمانی نزدیک به مطلق جلوگیری کرده و تعادلی منصفانه میان عدالت جبرانی و امنیت حرفه‌ای برقرار سازد.

۲- مبانی نظری و فقهی عوامل موجهه مسئولیت مدنی

در نظریه مسئولیت مدنی ایران، اصل بر ضمان عامل زیان است؛ اما تحقق مسئولیت علاوه بر ورود ضرر و رابطه سببیت، مستلزم احراز قابلیت انتساب عرفی و وجود وصف سرزنش‌پذیری رفتار نیز هست (مواد ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی؛ ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی؛ صفایی و رحیمی، ۱۴۰۳: ۱۶۹-۱۷۰؛ قاسم‌زاده، بی‌تا: ۸۵-۸۶). این بعد اخیر، لایه هنجاری مسئولیت را تشکیل می‌دهد (علوی رسولی، ۱۴۰۳: ۲۶۳۸-۲۶۴۴).

«عوامل موجهه مسئولیت مدنی» ناظر به وضعیت‌هایی‌اند که با وجود تحقق ظاهری ضرر و انتساب مادی رفتار، این لایه هنجاری زایل می‌شود. در تحلیل مفهومی، باید میان فقدان رابطه سببیت، تضعیف استناد عرفی زیان و زوال وصف سرزنش‌پذیری تمایز نهاد (نک: ماده ۳۳۱ قانون مدنی؛ عسگری، ۱۳۸۹؛ آیتی و جواهری، ۱۳۸۷: ۱۱-۲۶). علل موجهه عمدتاً در دو وضعیت اخیر ایفای نقش می‌کنند (پاکزاد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱-۲۱).

کارکرد این نهادها تضمین عدالت در توزیع ریسک‌های اجتماعی است. هرگاه رفتار در چارچوب ضرورت یا دفع خطر بزرگ‌تر انجام شده باشد، تحمیل ضمان با منطق عدالت عرفی سازگار نیست (نصوری، ۱۳۹۸: ۹۱-۱۰۰). از این‌رو، معیارهایی چون ضرورت، تناسب و امکان احتراز در ارزیابی موجه بودن رفتار نقش محوری دارند (سعیدی، ۱۴۰۱: ۸۱-۸۷).

فقه امامیه نیز در کنار قواعد عام ضمان همچون اتلاف و تسبیب، قواعدی چون احسان، اضطرار، تحذیر، اکراه و اجرای دستور مقام صالح را شناسایی کرده است (الجبیبی، ۱۳۹۹: ۵۲؛ صفایی و رحیمی، ۱۴۰۳: ۲۲۶-۲۲۷). در این موارد، رفتار عقلایی و غیرمتعدی از قلمرو ضمان خارج می‌شود؛ زیرا عرف آن را سرزنش‌پذیر نمی‌داند (نصوری، ۱۳۹۸: ۹۴-۹۶).

وجه مشترک این عوامل، اتکای آن‌ها بر داوری عرف عقلایی درباره حدود احتیاط و ضرورت است. بدین ترتیب، عرف نه‌تنها در احراز تقصیر، بلکه در تحدید قلمرو ضمان نیز نقش دارد.

۲-۱- ساختار هنجاری مسئولیت مدنی و جایگاه غربال عقلایی تخصصی

مسئولیت مدنی را می‌توان در دو سطح تحلیلی بررسی کرد:

نخست، احراز پیوند علی میان فعل و ضرر؛

دوم، داوری هنجاری درباره قابلیت انتساب عرفی زیان و سرزنش‌پذیری رفتار.

علل موجهه در این سطح دوم عمل می‌کنند. استناد عرفی صرفاً رابطه فنی میان سبب و نتیجه نیست، بلکه داوری درباره این است که آیا زیان باید به فاعل منتسب شود یا خیر (ماده ۳۳۱ قانون مدنی؛ صفایی و رحیمی، ۱۴۰۳: ۲۲۶-۲۲۷). در موارد رفتار عقلایی و فاقد تعدی، این انتساب می‌تواند منتفی گردد (نصوری، ۱۳۹۸: ۹۱-۹۶).

در فعالیت‌های تخصصی، سنجش ضرورت و تناسب بدون رجوع به معیارهای حرفه‌ای ممکن نیست (نوری و بزرگمهر، ۱۳۹۷: ۵-۶؛ یزدانیان، ۱۴۰۳: ۸۹-۹۱). اتکای صرف به عرف عمومی در چنین حوزه‌هایی ممکن است مسئولیت را به سمت ضمانی نزدیک به مطلق سوق دهد. از این‌رو، «غربال عقلایی تخصصی» به‌عنوان مرحله‌ای در تحلیل هنجاری مسئولیت مطرح می‌شود؛ مرحله‌ای که در آن، پیش از انتساب نهایی زیان، رفتار متخصص بر پایه

معیار نوعی «متخصص متعارف در شرایط مشابه» ارزیابی می‌شود. این غربال رکن جدیدی ایجاد نمی‌کند، بلکه نحوه اعمال لایه هنجاری مسئولیت را تخصصی می‌سازد (رفیعی و پروین، ۱۴۰۲: ۱۸۱-۱۸۳).

در این چارچوب، «غربال عقلایی تخصصی» نه رکن جدیدی در کنار عناصر کلاسیک مسئولیت مدنی است و نه استثنایی بر اصل ضمان؛ بلکه نحوه اعمال عنصر هنجاری مسئولیت را در بستر فعالیت‌های تخصصی بازتعریف می‌کند. به بیان دیگر، این مفهوم در تعارض با نظریه تقصیر یا تحلیل سببیت قرار نمی‌گیرد، بلکه معیار داوری درباره تقصیر و استناد عرفی را از سطح عرف عمومی به سطح عرف تخصصی منتقل می‌سازد. بدین ترتیب، غربال عقلایی تخصصی یک سازوکار تبیینی است، نه قاعده‌ای مستقل، و کارکرد آن جلوگیری از خلط میان «ریسک ذاتی فعالیت حرفه‌ای» و «تقصیر سرزنش‌پذیر» است.

۲-۲- مفهوم و اقسام عوامل موجهه در فقه و حقوق ایران

در فقه امامیه و حقوق ایران، عوامل موجهه مسئولیت مدنی نهادهایی‌اند که با وجود تحقق ظاهری ضرر، به سبب فقدان وصف سرزنش‌پذیری رفتار یا کاهش قابلیت انتساب عرفی زیان، مانع تحقق ضمان می‌شوند. این نهادها بازتاب عدالت هنجاری در تنظیم روابط اجتماعی‌اند و از تحمیل مسئولیت نامتناسب جلوگیری می‌کنند. از منظر تحلیلی، می‌توان عوامل موجهه را در سه دسته کلی صورت‌بندی کرد:

۱) عوامل مبتنی بر ضرورت و دفع خطر، مانند اضطراب و احسان، که در آن‌ها رفتار زیان‌بار برای دفع خطر مهم‌تر یا تحصیل منفعت عقلایی انجام می‌شود و داوری درباره آن بر سنجش ضرورت، تناسب و فقدان راه‌حل کم‌خطرتر استوار است.

۲) عوامل مبتنی بر اقدام یا رضایت زیان‌دیده، که در آن‌ها پذیرش آگاهانه خطر یا رضایت قبلی زیان‌دیده، استناد عرفی زیان را تضعیف یا منتهی می‌سازد؛ زیرا عرف، زیان را نتیجه انتخاب یا اقدام شخص می‌داند.

۳) عوامل مبتنی بر فقدان تعدی و تفریط در رفتار عقلایی، مانند تحذیر و استیمنان، که در آن‌ها فاعل با رعایت حدود احتیاط متعارف و بدون تجاوز از معیار عقلایی اقدام کرده است؛ در چنین فرضی، عنصر سرزنش‌پذیری تحقق نمی‌یابد.

در همه این موارد، معیار داوری، عرف عقلایی است؛ یعنی تشخیص ضرورت، تناسب، رضایت مؤثر یا حدود احتیاط، نهایتاً به ارزیابی عرف و اگذار می‌شود. باین حال، در مسئولیت‌های حرفه‌ای، این سنجه نمی‌تواند رفتار «انسان متعارف عادی» باشد، بلکه رفتار «متخصص متعارف در شرایط مشابه» ملاک ارزیابی قرار می‌گیرد (همان: ۱۸۳).

بر همین مبنا، عرف‌های تخصصی - از جمله عرف مهندسی - استمرار همان داوری عقلایی در بستر فعالیت‌های حرفه‌ای‌اند. هرگاه رفتار فنی با استانداردهای حرفه‌ای پذیرفته‌شده منطبق و فاقد تعدی و تفریط باشد، ممکن است یا وصف سرزنش‌پذیری رفتار زایل گردد یا دامنه انتساب عرفی زیان محدود شود. بدین ترتیب، انتقال معیار ارزیابی از عرف عام به عرف تخصصی، خروج از مبانی فقهی محسوب نمی‌شود، بلکه تطبیق آن مبانی با واقعیت‌های تخصصی است.

هرچند در فقه و حقوق ایران نهادهای دیگری نیز در زمره اسباب رافع مسئولیت قابل طرح اند، تمرکز پژوهش حاضر بر قواعدی است که پیوند مستقیم با سنجش عرفی ضرورت، تناسب، رضایت یا امکان احتراز دارند و در حوزه فعالیت‌های تخصصی کارکرد برجسته‌تری می‌یابند. از این رو، تحلیل تفصیلی در ادامه بر نقش عرف مهندسی در سه سطح تقصیر، استناد عرفی و علل موجهه متمرکز خواهد شد.

۳- عرف مهندسی به عنوان عرف تخصصی مشروع در نظام مسئولیت مدنی ایران

با توجه به مبانی فقهی و هنجاری پیش‌گفته درباره نقش عرف در ارکان مسئولیت و علل موجهه، اکنون باید به این پرسش پرداخت که آیا «عرف مهندسی» می‌تواند در نظام حقوقی ایران به عنوان عرف تخصصی معتبر و مشروع شناخته شود یا خیر. پاسخ به این پرسش مستلزم تبیین مفهوم، ماهیت و معیارهای اعتبار عرف مهندسی و تمایز آن از عرف عام و نظریه کارشناسی است؛ امری که در این بخش به صورت مرحله‌ای بررسی می‌شود.

۳-۱- مفهوم و ماهیت عرف مهندسی

عرف مهندسی را نمی‌توان صرفاً مجموعه‌ای از عادات صنفی یا رویه‌های رایج میان مهندسان دانست؛ بلکه این عرف، جلوه‌ای تخصص‌یافته از عرف عقلایی است که در بستر فعالیت‌های فنی شکل گرفته و معیار داوری درباره رفتار «متخصص متعارف» را تعیین می‌کند. به بیان دیگر، عرف مهندسی همان سیره عقلایی در حوزه‌ای است که تصمیم‌گیری در آن بر دانش فنی، تجربه حرفه‌ای و ارزیابی ریسک استوار است.

در تحلیل مفهومی، عرف مهندسی دارای سه ویژگی اساسی است:

نخست، تخصص‌محور بودن؛ منشأ آن نه برداشت عمومی جامعه، بلکه تجربه مستمر و تحلیل فنی اهل فن است. از این رو، ارزیابی رفتار مهندس بر پایه عرف عمومی فاقد دقت لازم بوده و معیار نوعی داوری باید «متخصص متعارف در شرایط مشابه» باشد (نوری و بزرگمهر، ۱۳۹۷: ۵-۶؛ یزدانیان، ۱۴۰۳: ۸۹-۹۱).

دوم، ریسک‌محور بودن؛ تصمیم‌های مهندسی غالباً در شرایطی اتخاذ می‌شود که خطر به‌طور کامل قابل حذف نیست و انتخاب میان گزینه‌های پرریسک اجتناب‌ناپذیر است. عرف مهندسی در این وضعیت تعیین می‌کند چه سطحی از خطر، با توجه به دانش موجود و استانداردهای حرفه‌ای، قابل قبول و عقلایی است.

سوم، استانداردساز بودن؛ این عرف حدود احتیاط، مهارت و مراقبت متعارف را تثبیت می‌کند. گاه این معیارها در قالب آیین‌نامه‌ها، مقررات ملی ساختمان یا استانداردهای فنی تجلی می‌یابد (ماده ۳۲ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان) و گاه در سیره مستمر حرفه‌ای انعکاس پیدا می‌کند (حسنی و تازیکی، ۱۳۹۶: ۲۰۸-۲۱۰).

از منظر نظری، عرف مهندسی با «دانش فنی» یا «مقررات اداری» یکسان نیست. دانش فنی مجموعه قواعد علمی است، در حالی که عرف مهندسی حاصل داوری عملی متخصصان درباره نحوه به‌کارگیری آن دانش در شرایط واقعی است. همچنین، هرچند مقررات فنی می‌توانند قرینه‌ای بر عرف حرفه‌ای باشند، عرف مهندسی اعم از مقررات مدون است و حتی در حوزه‌های فاقد تنظیم قانونی نیز از طریق سیره مستمر متخصصان شکل می‌گیرد.

در نظام مسئولیت مدنی، جایگاه عرف مهندسی فراتر از یک اماره اثباتی است. این عرف علاوه بر نقش در احراز یا نفی تقصیر، در تحلیل هنجاری مسئولیت نیز اثرگذار است؛ زیرا عنصر استناد عرفی زیان مبتنی بر داوری عقلایی درباره توجیه‌پذیری رفتار است. در فعالیت‌های تخصصی، این داوری ناگزیر باید بر پایه معیارهای حرفه‌ای انجام شود تا ضرورت، تناسب و امکان احتراز به‌درستی ارزیابی گردد.

بدین ترتیب، عرف مهندسی را می‌توان «معیار عقلایی تخصصی» در سنجش رفتار حرفه‌ای دانست؛ معیاری که تعیین می‌کند آیا تصمیم مهندس در شرایط مشابه مطابق انتظارات نوعی متخصص بوده است یا خیر. در صورت انطباق رفتار با این معیار و فقدان تعدی و تفریط، وصف سرزنش‌پذیری زایل و دامنه انتساب عرفی زیان محدود یا منتفی می‌شود (رفیعی و پروین، ۱۴۰۲: ۱۸۳-۱۸۵).

از منظر فقه امامیه نیز، اعتبار چنین عرفی در چارچوب امضای سیره عقلایی قابل توجیه است. هرگاه جامعه عقلایی متخصصان رفتاری را ضروری، متناسب و فاقد تعدی بدانند و این داوری با موازین شرعی تعارض نداشته باشد، می‌تواند مبنای خروج رفتار از قلمرو ضمان قرار گیرد؛ منطقی که در قواعدی چون احسان و اضطرار نیز انعکاس دارد (نصوری، ۱۳۹۸: ۹۱-۱۰۰؛ سعیدی، ۱۴۰۱: ۸۶-۸۷؛ الجعیبی، ۱۳۹۹: ۵۲).

بدین ترتیب، عرف مهندسی در چارچوب نظریه عمومی مسئولیت مدنی، نه منبعی مستقل، بلکه معیار تخصصی اعمال همان داوری عرف عقلایی است که در ارکان تقصیر، استناد عرفی و علل موجهه نقش دارد. اهمیت این انتقال معیار داوری در آن است که امکان تفکیک میان ریسک ذاتی فعالیت‌های فنی و تقصیر سرزنش‌پذیر را فراهم ساخته و از خلط تحلیل فنی با داوری هنجاری جلوگیری می‌کند.

۳-۲- معیارهای اعتبار عرف مهندسی مشروع

پذیرش عرف مهندسی در مقام عامل مؤثر در تحلیل مسئولیت مدنی، مستلزم آن است که اعتبار آن بر پایه ضوابطی روشن و قابل احراز سنجیده شود. صرف رواج یک رویه در میان فعالان صنعت یا تکرار یک روش در پروژه‌های عمرانی و نفتی، برای اعطای حجیت حقوقی به آن کفایت نمی‌کند؛ زیرا در غیر این صورت، خطر تبدیل عرف حرفه‌ای به پوششی برای سهل‌انگاری یا انتقال غیرمنصفانه ریسک به زیان‌دیدگان افزایش می‌یابد. از این رو، تفکیک میان «عرف مهندسی مشروع» و «عرف مسامحه‌ای یا فاسد» شرط لازم برای استناد قضایی به این عرف است.

در پرتو مبانی فقه امامیه و دکترین حقوقی ایران، می‌توان سه معیار اساسی برای اعتبار عرف مهندسی مشروع شناسایی کرد:

الف) مشروعیت شرعی و عدم تعارض با قواعد آمره

نخستین شرط اعتبار عرف مهندسی، سازگاری آن با موازین شرعی، قواعد آمره قانونی و نظم عمومی است. در فقه امامیه، عرف به‌عنوان منبع تبعی در صورتی معتبر است که در تعارض با نص یا قواعد مسلم شرعی قرار نگیرد و در چارچوب سیره عقلایی مورد امضای شارع باشد. به تعبیر دیگر، تنها «عرف صحیح» واجد حجیت است و عرف فاسد - هرچند رایج - فاقد اثر الزام‌آور خواهد بود (گلباغی ماسوله، ۱۳۹۹: ۲۶۸؛ سلجوقی، ۱۳۹۳: ۳۰).

در حوزه مهندسی، ممکن است برخی رویه‌های عملی، به سبب فشارهای اقتصادی یا ملاحظات اجرایی، در میان برخی فعالان رواج یابد؛ اما اگر این رویه‌ها با قواعدی چون لاضرر، حفظ نفس، منع اتلاف اموال غیر یا مقررات ایمنی تعارض داشته باشند، نمی‌توان آن‌ها را به عنوان عرف معتبر تلقی کرد. به‌ویژه در پروژه‌های نفتی و ساختمانی که خطرات جانی و مالی گسترده‌ای در پی دارند، هر عرفی که به کاهش غیرموجه استانداردهای ایمنی بینجامد، از منظر فقهی و حقوقی فاقد اعتبار است.

بدین ترتیب، مشروعیت شرعی شرط نخست آن است که عرف مهندسی، در چهارچوب قواعد عام ضمان، لاضرر و احسان قابل تحلیل باشد و موجب تضییع حقوق اشخاص یا اخلال در مصلحت عمومی نگردد (نصوری، ۱۳۹۸: ۹۱-۱۰۰؛ سعیدی، ۱۴۰۱: ۸۶-۸۷).

○ نمونه‌های تطبیقی:

۱- در برخی پروژه‌های ساختمانی، ممکن است تحت فشار اقتصادی کارفرما، میان برخی پیمانکاران عرفی نانوشته شکل گیرد که اجرای کامل مهاربندی دیواره گود را تا استقرار سازه مجاور به تعویق اندازند، با این توجیه که «در عمل معمولاً مشکلی پیش نمی‌آید». هرچند این رویه ممکن است در برخی کارگاه‌ها رواج یافته باشد، اما از آنجا که به کاهش سطح ایمنی و افزایش خطر ریزش می‌انجامد و با قواعدی چون لاضرر، حفظ نفس و مقررات آمره ایمنی در تعارض است، حتی در صورت شیوع نیز از منظر فقهی و حقوقی «عرف فاسد» محسوب شده و قابلیت استناد برای نفی یا تحدید مسئولیت را ندارد.

۲- در پروژه‌های نفتی نیز ممکن است برای تسریع بهره‌برداری، در برخی میدین مشترک، رویه‌ای میان برخی پیمانکاران رواج یابد که تست کامل فشار (هیدروتست)^۱ برخی خطوط فرعی به‌طور ناقص انجام شود. چنانچه این رویه با استانداردهای ایمنی صنعت نفت و مقررات الزام‌آور تعارض داشته و خطر انفجار یا نشت گسترده را افزایش دهد، حتی در صورت رواج، فاقد مشروعیت شرعی و قانونی بوده و نمی‌تواند مبنای تحدید یا نفی مسئولیت قرار گیرد. بنابراین، صرف شایع بودن یک رویه حرفه‌ای برای اعتبار آن کافی نیست؛ نخست باید احراز شود که آن عرف با قواعد آمره، نظم عمومی و مبانی شرعی تعارض ندارد.

ب) عقلانیت فنی و سازگاری با دانش تخصصی

دومین معیار، عقلانیت فنی عرف مهندسی است. عرفی می‌تواند در مقام تحلیل مسئولیت مدنی معتبر تلقی شود که بر پایه دانش تخصصی معتبر، تحلیل ریسک عقلایی و تجربه حرفه‌ای مستند شکل گرفته باشد. صرف کثرت وقوع یک رفتار در پروژه‌های مشابه، دلیل بر عقلایی بودن آن نیست؛ بلکه باید احراز شود که متخصصان متعارف، با لحاظ اطلاعات و فناوری موجود، آن رفتار را روشی منطقی و متناسب می‌دانند.

در مسئولیت‌های حرفه‌ای، معیار سنجش رفتار، رفتار «متخصص متعارف در شرایط مشابه» است، نه عملکرد فرد خاص یا سطح مهارت شخصی او (نوری و بزرگمهر، ۱۳۹۷: ۵-۶؛ یزدانیان، ۱۴۰۳: ۸۹-۹۱). بنابراین، عرف مهندسی

زمانی عقلایی تلقی می‌شود که با استانداردهای پذیرفته‌شده حرفه‌ای و تحلیل علمی هم‌خوان باشد و از منظر اهل فن، بیانگر حد متعارف احتیاط و مهارت باشد.

در غیر این صورت، اگر رویه‌ای صرفاً به‌دلیل عادت یا تساهل عملی در میان برخی فعالان صنعت شکل گرفته باشد، اما با اصول مهندسی یا الزامات ایمنی تعارض داشته باشد، چنین رویه‌ای عرف فنی عقلایی محسوب نمی‌شود و قابلیت استناد در مقام نفی تقصیر یا اعمال عذر موجهه را ندارد (رفیعی و پروین، ۱۴۰۲: ۱۸۳-۱۸۵).

○ نمونه‌های تطبیقی:

۱- در یک پروژه احداث پل، ممکن است برخی پیمانکاران به‌طور عرفی از ضریب اطمینان پایین‌تری نسبت به استانداردهای به‌روز بین‌المللی استفاده کنند، با این استدلال که «در پروژه‌های قبلی نیز همین ضریب به‌کار رفته و سازه‌ها پایدار مانده‌اند». باین حال، اگر این رویه با دانش مهندسی جدید و تحلیل‌های به‌روز مقاومت مصالح هم‌خوان نباشد، سابقه عملی آن به‌تنهایی دلیل بر عقلانیت فنی نیست. در چنین فرضی، معیار سنجش رفتار، متخصص متعارف با لحاظ دانش موجود است نه عادت‌های گذشته؛ از این رو، این رویه عرف عقلایی تخصصی تلقی نمی‌شود.

۲- در حوزه نفت و گاز نیز ممکن است در طراحی مخازن تحت فشار، به‌دلیل محدودیت هزینه، میان برخی شرکت‌های محلی استفاده از آلیاژی با مقاومت پایین‌تر رواج یابد؛ در حالی که تحلیل فنی نشان می‌دهد در شرایط دمایی میدان موردنظر، این انتخاب خطر شکست سازه را افزایش می‌دهد. چنین رویه‌ای - حتی در صورت تکرار - به‌سبب فقدان پشتوانه علمی و تحلیل ریسک مستند، عرف فنی معتبر محسوب نمی‌شود.

بنابراین، عقلانیت فنی اقتضا دارد که عرف مهندسی بر پایه دانش معتبر، تحلیل ریسک مستند و استانداردهای تخصصی پذیرفته‌شده شکل گیرد، نه بر مبنای عادت‌های گذشته، تساهل حرفه‌ای یا ملاحظات اقتصادی صرف.

ج) پذیرش حرفه‌ای و استمرار عملی

سومین معیار، پذیرش گسترده و استمرار عرف در میان جامعه حرفه‌ای است. عرف مهندسی زمانی می‌تواند معیار داوری قضایی قرار گیرد که نه حاصل رفتار موردی یا محدود، بلکه منعکس‌کننده سیره مستمر و غالب متخصصان همان رشته باشد. استمرار عملی و پذیرش صنفی، نشان می‌دهد که رفتار مزبور در فرآیندهای واقعی پروژه‌ها آزموده شده و به‌عنوان معیار متعارف شناخته می‌شود.

در این زمینه، مقررات ملی ساختمان، آیین‌نامه‌های فنی و استانداردهای صنعتی می‌توانند قرینه‌ای مهم بر وجود عرف حرفه‌ای باشند؛ هرچند عرف مهندسی لزوماً به مقررات مدون محدود نیست (حسینی و تازیکی، ۱۳۹۶: ۲۰۸-۲۱۰؛ لطفی دودران و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۴۹-۳۶۹). ملاک نهایی آن است که رفتار مورد ادعا، در میان متخصصان به‌عنوان رفتار متعارف و قابل دفاع شناخته شود و خروج از آن، عدول از معیار حرفه‌ای تلقی گردد.

تنها با احراز هم‌زمان این سه معیار - مشروعیت شرعی، عقلانیت فنی و پذیرش حرفه‌ای - می‌توان از «عرف مهندسی مشروع» سخن گفت. چنین عرفی می‌تواند در چارچوب ساختار هنجاری مسئولیت مدنی، نقش غربال عقلایی تخصصی را ایفا کند و در موارد فقدان تعدی و تفریط، به زوال وصف سرزنش‌پذیری یا تضعیف استناد عرفی زیان بینجامد.

در مقابل، عرفی که فاقد یکی از این شرایط باشد، نمی‌تواند مبنای نفی یا تحدید مسئولیت قرار گیرد؛ زیرا پذیرش بی‌ضابطه آن، به گسترش غیرمنطقی مصادیق معافیت و تضعیف حمایت از زیان‌دیدگان منجر خواهد شد.

○ نمونه‌های تطبیقی:

۱- در پروژه‌های ساختمانی شهری، استفاده از سیستم‌های پایش لحظه‌ای جابه‌جایی^۱ در گودبرداری‌های عمیق به تدریج در جامعه مهندسی به‌عنوان رویه‌ای غالب و متعارف تثبیت شده است. این پذیرش حاصل رفتار موردی نیست، بلکه نتیجه تجربه‌های مکرر، تأیید نهادهای حرفه‌ای و انطباق با مقررات ملی ساختمان است. در چنین فرضی، این رفتار بیانگر عرف مهندسی مستقر بوده و عدول از آن قرینه انحراف از معیار «متخصص متعارف در شرایط مشابه» خواهد بود.

۲- در پروژه‌های نفتی نیز اجرای سیستم‌های چندلایه ایمنی^۲ در تأسیسات فرآیندی به‌مرور به استاندارد غالب صنعت تبدیل شده است. عدم استفاده از این سیستم‌ها، در حالی که عرف حرفه‌ای آن را ضروری می‌داند، عدول از عرف تخصصی محسوب می‌شود. در مقابل، رویه‌ای که تنها در یک شرکت یا منطقه محدود رایج باشد و هنوز پذیرش گسترده حرفه‌ای نیافته باشد، عرف مهندسی مستقر تلقی نمی‌شود. بنابراین، استمرار عملی همراه با پذیرش گسترده در میان متخصصان شرط آن است که رفتار مورد ادعا، منعکس‌کننده «سیره حرفه‌ای غالب» باشد، نه تجربه‌ای محدود یا موردی.

۳-۳- کارکردهای عرف مهندسی در ارکان مسئولیت مدنی

با توجه به مبانی نظری پیش‌گفته، عرف مهندسی را نمی‌توان صرفاً اماره‌ای برای تشخیص تقصیر دانست، بلکه این عرف در سه سطح متمایز از ساختار مسئولیت مدنی ایفای نقش می‌کند: در سطح احراز تقصیر، در سطح تحلیل استناد عرفی و در سطح اعمال علل موجهه. این کارکرد چندلایه‌ای، جایگاه عرف مهندسی را از یک معیار اثباتی ساده به عنصری هنجاری در تحلیل مسئولیت ارتقا می‌دهد.

الف) نقش عرف مهندسی در احراز یا نفی تقصیر حرفه‌ای

در مسئولیت‌های ناشی از فعالیت‌های فنی، تقصیر زمانی محقق می‌شود که رفتار متخصص از معیار نوعی «متخصص متعارف در شرایط مشابه» انحراف داشته باشد (ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی). این معیار، بر پایه عرف حرفه‌ای و استانداردهای پذیرفته‌شده شکل می‌گیرد و سنجش رفتار بر اساس انسان متعارف غیرمتخصص فاقد مبنای عقلایی است (نوری و بزرگمهر، ۱۳۹۷: ۵-۶؛ یزدانیان، ۱۴۰۳: ۸۹-۹۱).

بر این اساس، اگر تصمیم مهندس مطابق عرف مهندسی و بدون تعدی و تفریط اتخاذ شده باشد، وصف سرزنش‌پذیری رفتار زایل می‌شود و عنصر تقصیر تحقق نمی‌یابد. در مقابل، عدول از استانداردهای حرفه‌ای و رویه‌های متعارف، قرینه‌ای جدی بر تحقق تقصیر محسوب می‌شود (رفیعی و پروین، ۱۴۰۲: ۱۸۳-۱۸۵). در این سطح، عرف مهندسی کارکردی مشابه سایر عرف‌های صنفی دارد و معیار تشخیص رفتار متعارف حرفه‌ای است.

^۱ Monitoring

^۲ Failure-Safe Systems

○ نمونه‌های تطبیقی:

۱- در یک پروژه گودبرداری شهری در بافت متراکم، اگر مهندس طراح و مجری با لحاظ شرایط ژئوتکنیکی زمین، از روش‌های تثبیت متعارف نظیر اجرای سیستم نیلینگ و شاکریت مرحله‌ای مطابق ضوابط حرفه‌ای استفاده کرده باشند، ایجاد ترک در ساختمان مجاور، علی‌رغم تحقق ضرر، به‌تنهایی برای احراز تقصیر کافی نیست. معیار داوری در این فرض، رفتار «متخصص متعارف در شرایط مشابه» است؛ و مادام که تصمیم فنی منطبق با استانداردهای پذیرفته‌شده و فاقد تعدی و تفریط باشد، وصف سرزنش‌پذیری زایل و عنصر تقصیر منتفی است. در مقابل، اجرای عملیات بدون تمهیدات متعارف ایمنی، عدول از عرف حرفه‌ای و قرینه جدی تحقق تقصیر خواهد بود. بنابراین، انطباق رفتار با عرف مهندسی مشروع، مسئولیت مبتنی بر تقصیر را منتفی می‌سازد.

۲- در پروژه‌های نفتی نیز، اگر در طراحی خط لوله انتقال نفت، ضخامت و جنس لوله بر پایه استانداردهای متعارف صنعت و تحلیل فنی فشار عملیاتی تعیین شده باشد، وقوع نشتی ناشی از شرایط پیش‌بینی‌ناپذیر محیطی، به‌تنهایی دلالت بر تقصیر طراح ندارد. اما انتخاب مشخصات فنی پایین‌تر از حداقل‌های حرفه‌ای و عدول از عرف صنعتی، تقصیر حرفه‌ای را قابل احراز می‌سازد. در این سطح، عرف مهندسی معیار تشخیص رفتار متعارف و سنجش نافی یا اثبات تقصیر است؛ از این رو صرف تحقق رابطه علی برای انتساب مسئولیت کفایت نداشته و انطباق رفتار با معیار متخصص متعارف، به نافی تقصیر حرفه‌ای می‌انجامد.

ب) نقش عرف مهندسی در تحلیل استناد عرفی و سببیت

کارکرد دوم عرف مهندسی در سطح تحلیل استناد عرفی زیان ظاهر می‌شود. استناد عرفی صرفاً رابطه فنی میان فعل و نتیجه نیست، بلکه داوری هنجاری درباره این است که آیا زیان باید به فاعل منتسب شود یا خیر. در پروژه‌های عمرانی و نفتی، غالباً عوامل متعددی در وقوع زیان نقش دارند: شرایط زمین، تصمیم‌های مدیریتی، خطاهای اجرایی، عوامل محیطی و حتی رفتار اشخاص ثالث. در چنین فضایی، عرف مهندسی تعیین می‌کند که آیا تصمیم فنی مورد نظر، در چارچوب ریسک‌های ذاتی پروژه قرار می‌گیرد یا خروج از معیار حرفه‌ای محسوب می‌شود. اگر رفتار مهندس مطابق عرف تخصصی و در حدود احتیاط متعارف بوده باشد، حتی در فرض تحقق رابطه علی، ممکن است استناد عرفی زیان تضعیف یا منتفی گردد؛ زیرا عرف حرفه‌ای زیان را نتیجه ریسک‌های اجتناب‌ناپذیر پروژه تلقی می‌کند نه تقصیر فاعل (رضوی‌فر، ۱۳۹۸: ۲۱-۲۲؛ صادقی و میرزایی، ۱۳۹۸: ۱۹۱-۱۹۳). در این سطح، عرف مهندسی به‌عنوان معیار تحدید دامنه سببیت عمل می‌کند.

○ نمونه‌های تطبیقی:

۱- در احداث تونل مترو در بستر شهری، ممکن است عملیات حفاری موجب نشست سطحی و بروز ترک‌های محدود در ساختمان‌های مجاور شود. حتی با احراز رابطه علی مادی میان حفاری و ترک‌ها، اگر طراحی، پایش و اجرا مطابق استانداردهای حرفه‌ای انجام شده و میزان نشست در محدوده پیش‌بینی‌شده و قابل قبول فنی باشد، عرف مهندسی زیان را در قلمرو ریسک‌های ذاتی و اجتناب‌ناپذیر پروژه قرار می‌دهد. در این فرض، هرچند پیوند علی وجود دارد، استناد عرفی زیان به مهندس تضعیف یا منتفی می‌شود؛ زیرا رفتار در چارچوب معیار «متخصص متعارف در

شرایط مشابه» بوده است. بدین ترتیب، عرف مهندسی در این سطح نه در مقام نفی تقصیر، بلکه به عنوان معیار تحدید استناد عرفی زیان عمل می کند.

۲- در پروژه های نفتی نیز، در صورت وقوع انفجار در تأسیسات فرآورش ناشی از تخلف اپراتور از دستورالعمل های ایمنی، هرچند طراحی اولیه در زنجیره علی حادثه قرار گیرد، اگر سیستم ایمنی مطابق استانداردهای حرفه ای طراحی شده باشد، عرف تخصصی علت غالب را خطای اجرایی تلقی می کند. در نتیجه، دامنه استناد عرفی زیان به طراح محدود می شود و عرف مهندسی نقش تحدیدکننده سببیت را ایفا می کند.

ج) نقش عرف مهندسی در مقام اعمال علل موجهه

کارکرد سوم و عمیق تر عرف مهندسی در مقام اعمال علل موجهه مسئولیت مدنی آشکار می شود. قواعدی چون احسان، اضطراب و تحذیر بر داوری عرفی درباره ضرورت، تناسب و امکان احتراز استوارند (نصوری، ۱۳۹۸: ۹۱-۱۰۰؛ سعیدی، ۱۴۰۱: ۸۱-۸۷).

باین حال، در فعالیت های تخصصی، این مفاهیم ماهیتی فنی می یابند و احراز آنها بدون رجوع به معیار «متخصص متعارف در شرایط مشابه» ممکن نیست. از این رو، عرف مهندسی در این سطح نقشی تفکیکی و ساختاری ایفا می کند.

۱) **عرف مهندسی و قاعده احسان:** در پروژه های عمرانی، ممکن است مهندس ناظر برای جلوگیری از ریزش دیواره گود و حفظ جان کارگران، دستور تخریب محدود بخشی از سازه مجاور را صادر کند و این اقدام موجب ورود خسارت مالی شود. تشخیص اینکه این رفتار نافع و فاقد تعدی بوده، وابسته به ارزیابی تخصصی حدود احتیاط حرفه ای است. اگر بر پایه عرف مهندسی احراز شود که اقدام انجام شده تنها راه عقلایی برای دفع خطر بوده و در چارچوب استانداردهای حرفه ای قرار داشته، رفتار در قلمرو احسان تحلیل می شود و وصف سرزنش پذیری زایل می گردد.

وضعیتی مشابه در تأسیسات نفتی نیز قابل تصور است؛ جایی که اقدام فوری مهندس برای جلوگیری از سرایت آتش یا نشت گسترده، هرچند به ورود خسارت محدود بینجامد، در صورت انطباق با معیار متخصص متعارف، می تواند در چارچوب احسان قرار گیرد.

۲) **عرف مهندسی و قاعده اضطراب:** اضطراب در فعالیت های مهندسی غالباً ماهیتی تخصصی دارد. در یک پالایشگاه نفتی، افزایش ناگهانی فشار مخزن ممکن است خطر انفجار گسترده ایجاد کند و مهندس شیفت ناچار به صدور دستور تخلیه اضطراری بخشی از مواد گردد؛ اقدامی که احتمالاً موجب خسارت محدود مالی یا زیست محیطی می شود. احراز اضطراب در این فرض، مستلزم بررسی سه عنصر تخصصی است: وجود خطر قریب الوقوع، تناسب اقدام با سطح تهدید، و فقدان بدیل فنی کم خطرتر. عرف مهندسی تعیین می کند که آیا تصمیم اتخاذ شده مطابق رفتار متخصص متعارف بوده است یا خیر. در صورت احراز این شرایط، قاعده اضطراب بر قواعد عام ضمان حکومت می کند.

در پروژه های عمرانی نیز، تغییر فوری روش پایدارسازی یا تخلیه اضطراری کارگاه در شرایط ناپایدار ژئوتکنیکی، در صورت احراز ضرورت تخصصی، می تواند مشمول همین تحلیل قرار گیرد.

۳) **عرف مهندسی و قاعده تحذیر:** تحذیر در فعالیت‌های فنی مستلزم ارائه هشدار مؤثر و کافی است، اما کفایت هشدار امری تخصصی است. در گودبرداری‌های عمیق شهری، اگر مهندس طراح پیش از شروع عملیات، مخاطرات احتمالی نشست زمین را بر اساس مطالعات فنی به مالکین مجاور اعلام کند و تدابیر احتیاطی متعارف را توصیه نماید، ارزیابی کفایت این هشدار وابسته به معیارهای حرفه‌ای است. عرف مهندسی تعیین می‌کند که آیا اطلاعات ارائه‌شده متناسب با سطح خطر بوده و آیا مخاطب امکان احتراز واقعی داشته است یا خیر.

در پروژه‌های نفتی نیز، ارائه دستورالعمل‌های ایمنی و هشدارهای فنی به اپراتورها، تنها زمانی موجب تحدید استناد عرفی زیان می‌شود که از منظر استانداردهای صنعتی کافی و قابل فهم تلقی گردد. در صورت احراز این شرایط، استناد عرفی زیان تضعیف یا منتفی می‌شود.

بدین ترتیب، عرف مهندسی در این سطح صرفاً نفی‌کننده تقصیر نیست، بلکه سازوکاری برای احراز تحقق شرایط هر یک از علل موجهه است. این کارکرد همان «غریبال عقلایی تخصصی» است که در لایه هنجاری مسئولیت مدنی عمل کرده و مانع تحمیل ضمان در موارد رفتار عقلایی و حرفه‌ای می‌شود.

بر این اساس، عرف مهندسی در نظام مسئولیت مدنی ایران دارای سه کارکرد پیوسته است:

۱) معیار تشخیص تقصیر حرفه‌ای؛

۲) ابزار تحلیل و تحدید استناد عرفی و سببیت؛

۳) مبنای تخصصی احراز علل موجهه و زوال وصف سرزنش‌پذیری.

تصریح به سطح اثرگذاری عرف در هر دعوا ضروری است؛ زیرا خلط میان نفی تقصیر، تحدید استناد عرفی و تحقق عامل موجهه می‌تواند به نوسان در مبانی داورى قضایی بینجامد.

۴- تحلیل رویه قضایی در پرتو الگوی «عرف مهندسی مشروع»

مباحث نظری پیش‌گفته درباره جایگاه عرف مهندسی در ساختار هنجاری مسئولیت مدنی، زمانی اعتبار کامل می‌یابد که در رویه قضایی قابل ردیابی باشد. از آنجا که دعاوی ناشی از پروژه‌های ساختمانی و عملیات عمرانی غالباً با پیچیدگی فنی، تعدد اسباب و تداخل ریسک‌های ذاتی فعالیت همراه‌اند، این حوزه یکی از دقیق‌ترین عرصه‌ها برای سنجش نسبت میان عرف عمومی و عرف تخصصی در تحلیل مسئولیت است.

پرسش بنیادین در این بخش آن است که آیا محاکم ایران در پرونده‌های فنی، عرف مهندسی را صرفاً به‌عنوان قرینه‌ای برای احراز تقصیر به‌کار می‌گیرند، یا آن را در سطوح عمیق‌تر - یعنی در تحلیل استناد عرفی و حتی در مقام تحدید یا زوال مسئولیت - مؤثر می‌دانند. بررسی دو رأی قطعی و شاخص نشان می‌دهد که گرچه اصطلاح «عرف مهندسی» به‌صراحت در آرای دادگاه‌ها به‌کار نرفته است، اما منطبق آن در فرآیند استدلال قضایی حضوری جدی و قابل تحلیل دارد.

۴-۱- پرونده تخریب ملک مجاور در اثر گودبرداری^۱

پرونده مزبور ناظر به تخریب ملک مجاور در اثر گودبرداری غیراصولی بود. خواهان‌ها مطالبه اجرت‌المثل ایام عدم امکان انتفاع از ملک خود را مطرح نمودند و دعوا علیه مجری عملیات ساختمانی، مالک، کارفرما و مهندس ناظر اقامه شد. کارشناس رسمی سهم تقصیر مجری را ۸۵ درصد و سهم مهندس ناظر را ۱۵ درصد اعلام نمود. مسئله اصلی در این پرونده، تعیین مرجع استناد عرفی زیان و نسبت مباشر و سبب در یک فعالیت تخصصی ساختمانی بود.

دادگاه بدوی، علی‌رغم پذیرش کلی نظریه کارشناسی، در تعیین مسئولیت نهایی از درصددیدی اعلامی عدول نمود و مجری عملیات ساختمانی را «تنها مباشر مسئول مستقیم و تام» دانست. استدلال دادگاه بر این پایه استوار بود که مجری بدون اتخاذ «تدابیر و تمهیدات لازم و متعارف» اقدام به گودبرداری نموده است.

این تعبیر، از منظر تحلیل هنجاری، واجد اهمیت بنیادین است؛ زیرا دادگاه معیار ارزیابی رفتار را نه صرف وقوع ضرر، بلکه انطباق یا عدم انطباق رفتار با «تدابیر متعارف» قرار داده است. در حوزه عملیات گودبرداری، مفهوم تدابیر متعارف ماهیتی تخصصی دارد و به عرف عمومی ارجاع‌پذیر نیست. منظور از آن، استانداردهای ایمنی، ضوابط فنی تثبیت دیواره‌ها و تمهیدات حفاظتی شناخته‌شده در جامعه مهندسی است.

درباره مهندس ناظر، دادگاه تصریح نمود که حتی اگر وی را سبب حادثه فرض کنیم، مباشر اقوی از سبب است (ماده ۳۳۲ قانون مدنی؛ نیز نک: ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی) و مسئولیت متوجه او نیست. این تحلیل، از حیث فقهی، منطبق با قاعده «تقدیم مباشر بر سبب» در باب اتلاف و تسبیب است و نشان می‌دهد که دادگاه در سطح تحلیل استناد عرفی، به منطق فقهی اقوایت مباشر تمسک جسته است.

در این پرونده، عرف مهندسی در سه سطح قابل شناسایی است:

✓ **نخست: سطح احراز تقصیر حرفه‌ای:** دادگاه تقصیر را بر اساس عدول از «تدابیر متعارف فنی» احراز کرده است. این همان معیار متخصص متعارف است که در بخش نظری مقاله به‌عنوان شاخص تقصیر حرفه‌ای تبیین شد.

✓ **دوم: سطح تحلیل استناد عرفی زیان:** با تفکیک میان مباشر و ناظر، دادگاه از توسعه غیرمنطقی زنجیره مسئولیت جلوگیری کرده است. این تحلیل نشان می‌دهد که استناد عرفی زیان در فعالیت‌های تخصصی، بدون تحلیل نقش فنی هر عامل، ممکن نیست.

✓ **سوم: سطح جلوگیری از مسئولیت شبه‌مطلق:** اگر صرف تحقق ضرر معیار قرار می‌گرفت، ممکن بود مهندس ناظر نیز به‌عنوان یکی از عوامل دخیل، مسئول شناخته شود. اما دادگاه با اعمال منطق فنی و فقهی، مسئولیت را محدود به مباشر اقوی کرده است.

بدین ترتیب، این رأی نمونه‌ای است از اعمال ضمنی «غربال عقلایی تخصصی» در ساختار تحلیل مسئولیت.

^۱ دادنامه قطعی شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۴۴۰۰۲۶۱ مورخ ۱۳۹۲/۰۳/۰۶ - شعبه ۴۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۴-۲- پرونده نشست و انحراف یک مجتمع ساختمانی^۱

پرونده دوم مربوط به نشست و انحراف یک مجتمع ساختمانی بود که در بروز آن عوامل متعددی از جمله ضعف بستر، نفوذ آب‌های سطحی، شیب معکوس کوچه، حفر چاه جذبی، ترکیب لوله‌ها و نم‌زدگی خاک دخیل بودند. در مراحل مختلف رسیدگی، کارشناسان درصدهای متفاوتی از مسئولیت را میان مالک اولیه یا مجری، شهرداری، مهندس ناظر و بهره‌برداران توزیع کردند. مسئله حقوقی اصلی، تعیین مرجع ارزیابی درصد تقصیر و نحوه تحلیل تعدد اسباب بود.

دیوان عالی کشور با نقض رأی بدوی، اصولی بنیادین را مطرح کرد: نخست آنکه تعیین درصد تقصیر ماهیت قضایی دارد و در صلاحیت دادگاه است، نه کارشناسان؛ دوم آنکه در فرض تعدد اسباب، میزان دخالت، تقدم و تأخر و سهم واقعی تأثیرگذاری هر سبب باید به صورت مدلل تبیین شود (ماده ۳۳۲ قانون مدنی)؛ و سوم آنکه صرف ختم درصدها به عدد صد، جایگزین تحلیل هنجاری و فنی نقش عوامل نمی‌شود. دادگاه باید نشان دهد چرا یک عامل اقوی از سایر عوامل تلقی شده است.

بدین ترتیب، دیوان با نفی «درصدسازی غیرمدلل» تأکید می‌کند که رابطه سببیت در دعاوی فنی صرفاً رابطه‌ای علی و مادی نیست، بلکه تعیین استناد عرفی زیان مستلزم تحلیل تخصصی مکانیزم حادثه و ارزیابی رفتار هر عامل بر پایه معیارهای فنی است. این رویکرد با آنچه در بخش نظری مقاله درباره ضرورت تحلیل هنجاری-تخصصی رفتار فنی بیان شد هم‌سو است و نشان می‌دهد که رسیدگی به تعدد اسباب بدون عبور از داوری تخصصی، به نتیجه‌ای منسجم نمی‌انجامد.

از منظر فقه امامیه نیز این تحلیل با قواعد تسبیب و اجتماع اسباب سازگار است؛ زیرا در صورت تعدد اسباب، تقدم سبب اقوی و سنجش دقیق رابطه عرفی میان فعل و نتیجه ضروری است. تأکید دیوان بر تعیین «سبب مقدم» و «میزان تأثیر» در واقع بازتاب همان منطق فقهی اقوایت سبب است، هرچند در قالب زبان آیین دادرسی بیان شده باشد.

بررسی این رأی نشان می‌دهد که عرف مهندسی در رویه قضایی ایران حضوری واقعی اما غالباً ضمنی دارد. دادگاه‌ها از معیارهای فنی بهره می‌گیرند، اما چارچوبی منسجم برای تفکیک سطوح تحلیل - تقصیر، استناد عرفی و علل موجهه - ارائه نمی‌کنند. خلأ اصلی نه بی‌توجهی به تخصص، بلکه فقدان صورت‌بندی نظری روشن برای اعمال آن است؛ امری که می‌تواند یا به گرایش به ضمانی نزدیک به مطلق بینجامد، یا بالعکس، به توزیع مسئولیت بر پایه نظریه کارشناسی بدون تحلیل هنجاری کافی.

از این رو، ارائه چارچوبی روشن‌مند برای استنباط عرف مهندسی در فرآیند داوری قضایی، ضرورتی عملی در سامان‌دهی دعاوی فنی است؛ ضرورتی که با مبانی فقه امامیه و اصول عدالت هنجاری سازگار بوده و قابلیت نهادینه‌شدن در نظام مسئولیت مدنی ایران را دارد. در بخش بعدی، این چارچوب به صورت منظم صورت‌بندی خواهد شد.

^۱ دادنامه قطعی شماره ۸۹۰۹۹۸۲۷۳۵۵۰۰۴۸۹ مورخ ۱۳۹۵/۰۶/۲۱ - شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور

۵- الگوی پیشنهادی استنباط قضایی عرف مهندسی مشروع

تحلیل رویه قضایی در بخش پیشین نشان داد که محاکم ایران در مواجهه با دعاوی ناشی از فعالیت‌های فنی، هرچند به معیارهای تخصصی و نظریات کارشناسی توجه دارند، اما غالباً فاقد چارچوبی روش‌مند برای احراز، ارزیابی و اعمال عرف مهندسی در ساختار مسئولیت مدنی‌اند. مسئله اصلی در این حوزه نه فقدان رجوع به عرف تخصصی، بلکه نبود «نحوه به‌کارگیری منسجم آن» در فرآیند استدلال قضایی است. به بیان دیگر، دادگاه‌ها در عمل از منطق عرف حرفه‌ای بهره می‌گیرند، اما این منطق به‌صورت مرحله‌بندی‌شده و قابل نظارت صورت‌بندی نمی‌شود.

پیامد چنین وضعیتی، افزایش وابستگی نتیجه دعوا به نحوه تنظیم نظریه کارشناسی، نوسان در تحلیل نقش اسباب، و ابهام در تفکیک میان نفی تقصیر، تحدید استناد عرفی و تحقق علل موجهه است. از این‌رو، برای ارتقای انسجام تحلیلی و تقویت پیش‌بینی‌پذیری آراء، می‌توان الگوی سه‌مرحله‌ای زیر را برای استنباط قضایی «عرف مهندسی مشروع» پیشنهاد کرد؛ الگویی که با مبانی فقهی سیره عقلایی و ساختار هنجاری مسئولیت مدنی سازگار بوده و امکان انتقال داوری تخصصی به استدلال قضایی را فراهم می‌سازد.

۵-۱- مرحله نخست: احراز وجود عرف فنی معتبر

نخستین گام در استناد به عرف مهندسی، احراز وجود یک عرف فنی مشخص و مستقر در موضوع اختلاف است. در این مرحله، دادرس باید احراز کند که آیا در زمینه مورد نزاع، معیار رفتاری شناخته‌شده‌ای در میان متخصصان وجود دارد که بتوان آن را مبنای داوری نوعی قرار داد.

نظریه کارشناسی در این فرآیند نقشی ابزاری دارد؛ بدین معنا که وسیله‌ای برای کشف عرف حرفه‌ای است، نه جایگزین آن. تشخیص نهایی وجود عرف، امری قضایی است که باید بر پایه اقتناع وجدانی و ارزیابی مجموع قرائن صورت گیرد (عباسی سرمدی و معین، ۱۴۰۱: ۱۳۳-۱۳۵).

از جمله مهم‌ترین شاخص‌های احراز عرف فنی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- انعکاس رفتار مورد ادعا در استانداردها، آیین‌نامه‌های فنی یا مقررات حرفه‌ای؛
- رواج آن در رویه غالب جامعه مهندسی؛
- تلقی عدول از آن به‌عنوان انحراف حرفه‌ای؛
- اتکای آن به تجربه عملی و تحلیل ریسک در پروژه‌های مشابه.

خروجی این مرحله، بازسازی معیار نوعی «متخصص متعارف در شرایط مشابه» است؛ معیاری که مبنای داوری هنجاری درباره رفتار حرفه‌ای قرار می‌گیرد.

۵-۲- مرحله دوم: ارزیابی مشروعیت عرف مهندسی

صرف احراز یک رویه حرفه‌ای برای اعطای اعتبار حقوقی به آن کافی نیست. عرف مهندسی زمانی قابلیت استناد دارد که از پالایش هنجاری عبور کرده و واجد مشروعیت باشد. در غیر این صورت، خطر آن وجود دارد که برخی

رویه‌های ناشی از تساهل عملی یا فشارهای اقتصادی، به‌عنوان معیار رفتار متعارف تلقی شده و به تضعیف حمایت از زیان‌دیدگان بینجامد.

مشروعیت عرف مهندسی را می‌توان بر پایه سه معیار اساسی ارزیابی کرد:

- نخست، عدم تعارض با شرع، قانون و نظم عمومی: در چارچوب فقه امامیه، تنها عرف صحیح واجد حجیت است و هر رویه‌ای که به تضییع حقوق اشخاص، کاهش غیرموجه استانداردهای ایمنی (ماده ۲ قانون نظام مهندسی) یا نقض قواعد آمره بینجامد، نمی‌تواند مبنای تحدید مسؤلیت قرار گیرد.
 - دوم، عقلانیت فنی: عرف حرفه‌ای باید با دانش تخصصی معتبر، تحلیل ریسک و استانداردهای پذیرفته‌شده سازگار باشد. کثرت وقوع یک رفتار، به‌تنهایی دلیل عقلایی بودن آن نیست؛ بلکه باید احراز شود که متخصصان متعارف، با لحاظ اطلاعات موجود، آن را رفتاری منطقی و متناسب می‌دانند.
 - سوم، پذیرش حرفه‌ای و استمرار عملی: رفتار مورد ادعا باید منعکس‌کننده سیره غالب جامعه تخصصی باشد، نه تجربه‌ای محدود یا موردی. استمرار عملی نشان می‌دهد که این رفتار در فرآیندهای واقعی آزموده شده و به‌عنوان معیار حرفه‌ای تثبیت گردیده است.
- برآیند این مرحله، تفکیک «عرف مهندسی مشروع» از «عرف مسامحه‌ای یا فاسد» است؛ تفکیکی که شرط لازم برای استناد قضایی به عرف تخصصی محسوب می‌شود.

۵-۳- تعیین سطح اثرگذاری عرف در ساختار مسؤلیت مدنی

پس از احراز و پالایش عرف مهندسی، دادرس باید صریحاً مشخص کند که این عرف در کدام سطح از تحلیل مسؤلیت اثر می‌گذارد. تمایز این سطوح صرفاً نظری نیست، بلکه نقش تعیین‌کننده‌ای در نتیجه حقوقی دعوا دارد.

- نخست، سطح احراز تقصیر حرفه‌ای: اگر رفتار مهندس منطبق با معیار متخصص متعارف باشد، وصف سرزنش‌پذیری رفتار زایل شده و عنصر تقصیر تحقق نمی‌یابد (رفیعی و پروین، ۱۴۰۲: ۱۸۳-۱۸۵).
- دوم، سطح تحلیل استناد عرفی زیان: حتی در فرض وجود رابطه علی مادی، ممکن است عرف تخصصی زیان را در قلمرو ریسک‌های ذاتی فعالیت قرار دهد و انتساب نهایی آن به فاعل را موجه نداند (رضوی‌فر، ۱۳۹۸: ۲۱-۲۲). در این حالت، عرف مهندسی به‌عنوان معیار تحدید دامنه سببیت عمل می‌کند.
- سوم، سطح اعمال علل موجهه: در مواردی که رفتار برای دفع خطر بزرگ‌تر، در شرایط ضرورت و با رعایت تناسب انجام شده باشد، عرف تخصصی می‌تواند مبنای احراز تحقق قواعدی چون احسان یا اضطرار قرار گیرد (نصوری، ۱۳۹۸: ۹۱-۱۰۰؛ سعیدی، ۱۴۰۱: ۸۱-۸۷). در چنین وضعیتی، نه‌تنها تقصیر منتفی است، بلکه ضمان نیز به‌سبب وجود عامل موجهه ساقط می‌شود.

تصریح به سطح اثرگذاری عرف، مانع از خلط میان نفی تقصیر و قطع استناد عرفی شده و شفافیت استدلال قضایی را افزایش می‌دهد.

الگوی سه‌مرحله‌ای پیشنهادی، عرف مهندسی را از یک گزینه پراکنده در رویه قضایی، به سازوکاری نظام‌مند برای تحلیل مسؤلیت مدنی تبدیل می‌کند. اجرای این چارچوب چند پیامد اساسی به همراه دارد:

۱) تفکیک روشن میان نقش کارشناسی و داوری قضایی؛

۲) جلوگیری از پذیرش بی ضابطه عرف‌های حرفه‌ای؛

۳) افزایش انسجام و پیش‌بینی‌پذیری آرا؛

۴) و مهار گرایش مسئولیت مدنی به ضمانی نزدیک به مطلق در دعاوی فنی.

بدین ترتیب، «غربال عقلایی تخصصی» نه به‌عنوان رکنی جدید، بلکه به‌مثابه شیوه‌ای منضبط برای اعمال لایه هنجاری مسئولیت مدنی عمل می‌کند و امکان برقراری تعادل میان حمایت از زیان‌دیدگان و امنیت حرفه‌ای متخصصان را فراهم می‌سازد.

۶- آثار پذیرش عرف مهندسی مشروع در نظام مسئولیت مدنی

پذیرش ضابطه‌مند عرف مهندسی مشروع در چارچوب الگوی پیشنهادی، افزون بر کارکردهای تحلیلی، دارای پیامدهای مهم نظری، قضایی و اقتصادی است که می‌تواند نظام مسئولیت مدنی را در دعاوی تخصصی به‌سوی انسجام و عدالت بیشتر هدایت کند.

۶-۱- آثار نظری: ارتقای ساختار هنجاری مسئولیت مدنی

نخستین اثر این رویکرد، بازتعریف لایه هنجاری مسئولیت مدنی است. با پذیرش عرف مهندسی به‌عنوان جلوه تخصص‌یافته عرف عقلایی، تحلیل مسئولیت از چارچوب صرفاً علی فاصله گرفته و به الگویی هنجاری-تخصصی ارتقا می‌یابد. در این چارچوب، عنصر استناد عرفی و وصف سرزنش‌پذیری رفتار، بر پایه معیار متخصص متعارف ارزیابی می‌شود و امکان تفکیک دقیق‌تر میان «ریسک ذاتی فعالیت» و «تقصیر حرفه‌ای» فراهم می‌گردد. این تحول نظری، از یک‌سو با مبانی فقه امامیه در امضای سیره عقلایی و قواعدی چون احسان و اضطرار سازگار است (نصوری، ۱۳۹۸: ۹۱-۱۰۰؛ سعیدی، ۱۴۰۱: ۸۱-۸۷)، و از سوی دیگر، از تقلیل مسئولیت مدنی به نوعی ضمان شبه‌مطلق در فعالیت‌های فنی جلوگیری می‌کند. بدین ترتیب، عرف مهندسی مشروع به‌عنوان «غربال عقلایی تخصصی» در ساختار مسئولیت نهادینه می‌شود.

۶-۲- آثار قضایی: افزایش انسجام و پیش‌بینی‌پذیری آرا

دومین اثر، ارتقای کیفیت داوری قضایی در دعاوی فنی است. در وضعیت کنونی، وابستگی شدید تصمیم‌دهندگان به نحوه تنظیم نظریه کارشناسی، گاه موجب آرای متعارض و غیرقابل پیش‌بینی می‌شود. الگوی سه‌مرحله‌ای پیشنهادی با تفکیک میان احراز عرف، ارزیابی مشروعیت و انطباق آن با ارکان مسئولیت، فرآیند تصمیم‌گیری قضایی را شفاف‌تر می‌سازد.

اجرای این چارچوب موجب می‌شود دادرس:

۱) نقش نظریه کارشناسی را از مقام تصمیم‌گیر به مقام ابزار کشف عرف تقلیل دهد؛

۲) صریحاً مشخص کند عرف مهندسی در کدام سطح (تقصیر، استناد عرفی یا علل موجهه) اثر می‌گذارد؛

۳) از پذیرش عرف‌های مسامحه‌ای یا فاقد عقلانیت فنی پرهیز کند.

نتیجه این امر، افزایش پیش‌بینی‌پذیری آراء، کاهش نوسان قضایی و تقویت امنیت حقوقی در پروژه‌های عمرانی و نفتی خواهد بود.

۶-۳- آثار اقتصادی و حرفه‌ای: تعادل میان حمایت از زیان‌دیده و امنیت حرفه‌ای

پذیرش عرف مهندسی مشروع همچنین پیامدهای اقتصادی و حرفه‌ای مهمی دارد. اگر رفتارهای منطبق با استانداردهای حرفه‌ای، صرفاً به سبب تحقق ضرر، مسئولیت‌آور تلقی شوند، انگیزه پذیرش پروژه‌های پرریسک کاهش یافته و هزینه‌های بیمه و اجرای طرح‌های زیرساختی افزایش می‌یابد. چنین وضعیتی می‌تواند به احتیاط افراطی، توقف نوآوری و انتقال غیرضروری ریسک به مهندسان بینجامد.

در مقابل، پذیرش بی‌ضابطه عرف‌های حرفه‌ای نیز ممکن است حمایت از زیان‌دیدگان را تضعیف کند. الگوی پیشنهادی با تفکیک میان عرف مشروع و عرف فاسد، تعادلی میان این دو مصلحت برقرار می‌کند: از یک سو، رفتار عقلایی و منطبق با استانداردهای حرفه‌ای را از ضمان ناموجه مصون می‌دارد و از سوی دیگر، در برابر عدول از معیار متخصص متعارف، مسئولیت را برقرار می‌سازد.

بدین ترتیب، نظام مسئولیت مدنی می‌تواند همزمان دو هدف را تأمین کند: حمایت مؤثر از زیان‌دیدگان و تضمین امنیت حرفه‌ای مهندسان در چارچوب رفتار عقلایی.

نتیجه‌گیری

مسئله مسئولیت مدنی در دعاوی فنی، بیش از آنکه مسئله گسترش یا محدودسازی ضمان باشد، مسئله تعیین مرجع داوری عرفی و نحوه انتقال معیارهای تخصصی به ساختار هنجاری مسئولیت است. یافته محوری این پژوهش نشان می‌دهد که چالش اصلی در این حوزه، نه در اصل پذیرش مسئولیت، بلکه در تشخیص عرف حاکم بر داوری رفتارهای حرفه‌ای نهفته است. هرگاه دادگاه معیار ارزیابی را عرف عمومی قرار دهد، در حالی که موضوع ماهیت تخصصی دارد، خطر احراز نادرست تقصیر و گرایش مسئولیت به سمت ضمانی نزدیک به مطلق افزایش می‌یابد.

بازخوانی مبانی فقه امامیه نشان داد که عوامل موجهه مسئولیت مدنی، نه استثنائاتی حاشیه‌ای، بلکه تجلی عدالت هنجاری در توزیع ریسک‌های اجتماعی‌اند. قواعدی چون احسان، اضطراب و تحذیر بر داوری عرف عقلایی درباره ضرورت، تناسب و امکان احتراز استوارند؛ و از آنجا که این مفاهیم ماهیتی عرفی دارند، تعیین نوع عرف مرجع داوری، نقشی تعیین‌کننده در سرنوشت مسئولیت ایفا می‌کند. نتیجه منطقی این تحلیل آن است که در فعالیتهای حرفه‌ای، عرف عام کفایت ندارد و معیار ارزیابی باید به عرف تخصصی منتقل شود؛ انتقالی که در این پژوهش با مفهوم «غربال عقلایی تخصصی» صورت‌بندی گردید.

بر این اساس، عرف مهندسی صرفاً قرینه‌ای برای اثبات یا نفی تقصیر نیست، بلکه در سه سطح ساختاری عمل می‌کند: نخست، تعیین معیار نوعی تقصیر حرفه‌ای بر مبنای رفتار متخصص متعارف؛ دوم، تحدید و بازسازی استناد عرفی زیان در فرض تعدد اسباب و ریسک‌های ذاتی پروژه؛ و سوم، ایفای نقش تفکیکی در مقام اعمال علل موجهه، بدین معنا که در قاعده احسان معیار رفتار نافع غیرمتعدی، در اضطراب معیار ضرورت، تناسب و فقدان بديل کم‌خطرتر،

و در تحذیر معیار کفایت هشدار و امکان احتراز، بر پایه سنجش تخصصی عرف حرفه‌ای تعیین می‌شود. بنابراین، هرگاه رفتار فنی منطبق با عرف مهندسی مشروع و فاقد تعدی و تفریط باشد، یا وصف سرزنش‌پذیری زایل می‌شود یا انتساب عرفی زیان تضعیف یا منتفی می‌گردد.

تحلیل رویه قضایی، به‌ویژه رأی شعبه ۴۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهرانو رأی شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور نشان داد که هرچند محاکم به‌طور ضمنی از معیارهای تخصصی بهره می‌گیرند، اما به دلیل فقدان چارچوب روش‌مند، میان نقش کارشناسی، تقصیر حرفه‌ای و استناد عرفی تفکیک روشن برقرار نمی‌کنند. تأکید دیوان عالی کشور بر ماهیت قضایی تعیین درصد تقصیر و ضرورت تحلیل مدلل اسباب، در واقع تأییدی عملی بر ضرورت همان غربال عقلایی تخصصی است که این پژوهش پیشنهاد می‌کند.

دستاورد نظری این پژوهش آن است که عرف مهندسی را می‌توان از یک مفهوم پراکنده و غیرمنضبط، به نهادی مشروع و قابل احراز تبدیل کرده و با تفکیک میان عرف عقلایی و عرف فاسد، سه معیار مشروعیت شرعی، عقلانیت فنی و پذیرش حرفه‌ای را برای اعتبار آن ارائه داده است. الگوی سه‌مرحله‌ای استنباط قضایی عرف مهندسی مشروع، امکان انتقال داوری از اتکای صرف به نظریه کارشناسی به استدلال هنجاری-تخصصی را فراهم می‌سازد و انسجام، پیش‌بینی‌پذیری و عدالت توزیعی را در دعاوی فنی تقویت می‌کند.

در نهایت، پذیرش عرف مهندسی مشروع نه به معنای تضعیف حمایت از زیان‌دیده است و نه اعطای مصونیت به فعالان حرفه‌ای؛ بلکه کوششی برای بازگرداندن مسئولیت مدنی به معیار عدالت عقلایی در بستر تخصص است. بدین‌سان، عرف مهندسی مشروع نه استثنایی بر اصل ضمان، بلکه شیوه اعمال منضبط عنصر هنجاری مسئولیت در فعالیت‌های تخصصی به‌شمار می‌آید.

الگوی سه‌مرحله‌ای پیشنهادی این پژوهش، افزون بر انسجام نظری، قابلیت به‌کارگیری در فرآیند رسیدگی قضایی را داشته و می‌تواند چارچوبی عملی برای تنظیم نظریه کارشناسی و استدلال دادگاه فراهم آورد. از این رهگذر، نهادینه‌سازی داوری تخصصی منضبط، زمینه‌گذار از الگوی سنتی ضمان به الگوی هنجاری-تخصصی را فراهم می‌سازد؛ الگویی که در آن عدالت جبرانی با عقلانیت حرفه‌ای در تعادلی پایدار قرار می‌گیرد.

فهرست منابع و مآخذ

الف) کتاب ها

- ۱) حسنی، علیرضا و تازیکی، ابوالقاسم (۱۳۹۶)، بررسی مسئولیت مدنی سازنده بنا و عوامل آن با تأکید بر قانون پیش فروش آپارتمان، تهران، انتشارات کتاب آوا.
- ۲) سلجوقی، محمود (۱۳۹۳)، کتاب نقش عرف، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- ۳) صفایی، سیدحسین و رحیمی، حبیب‌الله (۱۴۰۳)، مسئولیت مدنی تطبیقی، تهران: پژوهشکده حقوقی شهر دانش.
- ۴) گلباغی ماسوله، سید علی جبار (۱۳۹۹)، درآمدی بر عرف، قم: انتشارات مؤسسه بوستان کتاب.
- ۵) یزدانیان، علیرضا (۱۴۰۳)، قواعد عمومی مسئولیت مدنی، جلد اول، تهران: بنیاد علمی میزان.

ب) مقاله ها

- ۱) آیتی، سیدمحمدرضا و جواهری، علی‌پور (۱۳۸۷)، نقش قاعده احسان در مسئولیت مدنی پزشک، فصلنامه فقه و مبانی حقوق، شماره ۱۴، صص ۲۶-۱۱.
- ۲) پاکزاد، مهرداد و ابهری، مهدی و مهدی پور، محمد (۱۴۰۰)، مفهوم تأثیر اکراه در مسئولیت مدنی در حقوق ایران و فرانسه، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۳، صص ۲۱-۱.
- ۳) رفیعی، محمدتقی و پروین، سجاد (۱۴۰۲)، مسئولیت حرفه ای پیمانکار مهندسی، تأمین کالا و مدیریت ساخت در صنعت نفت و گاز، حقوق فناوری های نوین، دانشگاه علم و فرهنگ، گروه حقوق، مقاله پژوهشی، صفحات ۱۸۰-۱۹۱.
- ۴) سعیدی، یاسمن (۱۴۰۱)، بررسی قاعده احسان در سقوط مسئولیت مدنی و کیفری در فقه و حقوق با رویکردی بر اندیشه امام خمینی(ره)، پژوهشنامه متین - امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی، شماره ۹۵، صص ۸۱-۹۹.
- ۵) صادق زاده مقدم، شبنم (۱۴۰۳)، مسئولیت مدنی ناشی از الودگی نفتی دریا، تهران، ایران، صفحات ۱ تا ۹.
- ۶) صادقی، محمدهادی و میرزایی، محمد (۱۳۹۸)، ماهیت رابطه استناد و معیار احراز آن، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۲۱، صص ۱۹۴-۱۶۷.
- ۷) عباسی سرمدی، مهدی و معین، وحید (۱۴۰۱)، نقش قاضی در تحصیل دلیل و کشف حقیقت با نگاهی به اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی فراملی، تحقیقات حقوقی بین المللی، شماره ۵۷، صص ۱۴۶-۱۲۳.
- ۸) علوی رسولی، سیده پریسا (۱۴۰۳)، عوامل رافع مسئولیت مدنی، اولین همایش ملی تأثیر متقابل حقوق بین الملل و حقوق داخلی در توسعه قوانین، دانشگاه آزاد واحد گرگان، صص ۲۶۳۸-۲۶۴۴.
- ۹) قاسم زاده، سید مرتضی (بی تا)، مفهوم غیر قانونی بودن یا ناهنجاری فعل زیانبار در مسئولیت مدنی، دیدگاه‌های حقوقی، صص ۱۱۲-۸۳.
- ۱۰) لطفی دودران، علیرضا و صادقی، بابک و باشکوه، مظفر (۱۳۹۹)، دکترین حقوقی آمریکا در زمینه مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی محیط زیست، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۹۵، صفحات ۳۴۹ تا ۳۶۹.

- ۱۱) نصوری، مزدک (۱۳۹۸)، *قاعده احسان و نقش آن در معافیت از جبران خسارت*، نشریه علمی تخصصی شباک، شماره ۳ (پیاپی ۴۲)، صص ۹۱-۱۰۰.
- ۱۲) نوری، علی و بزرگمهر، داود (۱۳۹۷)، *نقش عرف در احراز تقصیر مسئولیتهای شغلی*، کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی اجتماعی سال ۱۳۹۷، صفحات ۱ تا ۱۴.

ج) پایان نامه ها

- ۱) الجعیبی، حسام (۱۳۹۹)، *تأثیر دستور مقام صالح قانونی، دفاع مشروع و اضطرار در مسئولیت مدنی*، مطالعه تطبیقی در حقوق عراق و ایران، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- ۲) رضوی فر، حمید (۱۳۹۸)، *نقش عرف در اثبات رابطه سببیت بین تقصیر خواننده و ضرر*، پایان نامه کارشناسی ارشد، شهر قدس: دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۳) عسگری، مهدی (۱۳۸۹)، *بررسی جایگاه علل موجهه در مسئولیت مدنی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، دانشکده علوم اجتماعی.

د) قوانین

- ۱) قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.
- ۲) قانون مدنی، مصوب ۱۳۰۷ (با اصلاحات بعدی).
- ۳) قانون مسئولیت مدنی، مصوب ۱۳۳۹.
- ۴) قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان، مصوب ۱۳۷۴.

ه) سایت های اینترنتی

- ۱) سامانه ملی آرای قضایی <https://ara.jri.ac.ir>

Abstract

The Role of Engineering Custom in the Justifying Causes of Civil Liability in Construction and Oil Projects: A Jurisprudential and Legal Analysis.

Construction and oil projects, due to their technical complexity and high-risk nature, represent one of the most challenging contexts for applying the general theory of civil liability, as the occurrence of damage does not necessarily imply blameworthiness or normative attribution. The core issue in technical disputes is not the principle of liability itself, but the identification of the relevant custom and the manner in which specialized standards operate within the normative structure of liability. Exclusive reliance on general custom may lead to misidentification of fault and a shift toward a quasi-strict liability model. Adopting a descriptive-analytical approach grounded in Imami jurisprudence, legal doctrine, and judicial practice, this study examines the position of “engineering custom” as a specialized professional norm governing technical conduct. The findings demonstrate that, provided it satisfies the requirements of Sharia legitimacy, technical rationality, and professional acceptance, engineering custom operates at three structural levels: first, as the benchmark of the “reasonable specialist in similar circumstances” for establishing or negating professional fault; second, as a mechanism for limiting the normative attribution of harm in cases involving multiple causes and inherent project risks; and third, as a criterion for assessing justificatory grounds, including benevolent intervention, necessity, and adequate warning. Accordingly, the legal effect of engineering custom manifests in the negation of fault, limitation of attribution, or recognition of a justificatory ground. The article concludes by proposing a three-stage judicial framework to enhance coherence, transparency, and predictability in technical liability adjudication.

Keywords: Engineering Custom; Justificatory Factors; Civil Liability; Imami Jurisprudence; Construction and Oil Projects.